Scientific Journal
The History Of Islamic Culture and Civilization
Vol. 14, Summer 2023, No. 51
Scientific Research Article

نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دوره ۱۴، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۵۱
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات ۱۳۰ ـ ۹۹

بررسی تأثیرات جنگ نرم بر معماری در ایران
با تأکید بر دوره‌های ناصری، پهلوی و انقلاب اسلامی

راضیه لبیب‌زاده*
مصطفی کرمی**

چکیده

جنگ نرم مبتنی بر رویکردهای فکری و فرهنگی بوده و از این طریق سعی در سلطه‌گری بر جوامع هدف دارد. از طرفی معماری، ظرف زندگی و بستر فرهنگ بوده و می‌تواند یکی از اهداف تهاجم فرهنگی شناخته شود، بنابراین نقش به‌سزایی در مقابله با جنگ فرهنگی دارد. سؤال اصلی این مقاله چگونگی تأثیر جنگ فرهنگی بر معماری ایرانی-اسلامی در قرن اخیر است. این مقاله با استفاده از روش‌های تحلیلی-تبیینی، تفسیری ـ تاریخی و مصداق‌پژوهی سعی در پاسخ به این پرسش برآمده است. براساس نتایج پژوهش، تأثیرات جنگ فرهنگی در معماری ایران سه دوره دارد: دوره ناصری که شروع انحطاط معماری ایرانی ـ اسلامی است و تغییرات کالبدی، زمینه تغییر محتوا شده است. در دوره پهلوی تهاجمات فرهنگی به صورت توأمان، محتوا و کالبد معماری ایران را هدف گرفته و دچار استحاله کرده و پس از انقلاب اسلامی نیز تهاجمات فرهنگی درصدد تغییر ذائقه جامعه بوده تا با تغییر محتوای معماری به هژمونی فرهنگی دست یابند.

واژگان کلیدی

معماری ایرانی ـ اسلامی، دوره ناصری، پهلوی، انقلاب اسلامی، جنگ نرم.

*. استادیار گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
r.labibzadeh@gmail.com
**. کارشناسی ارشد معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
mk8498784987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

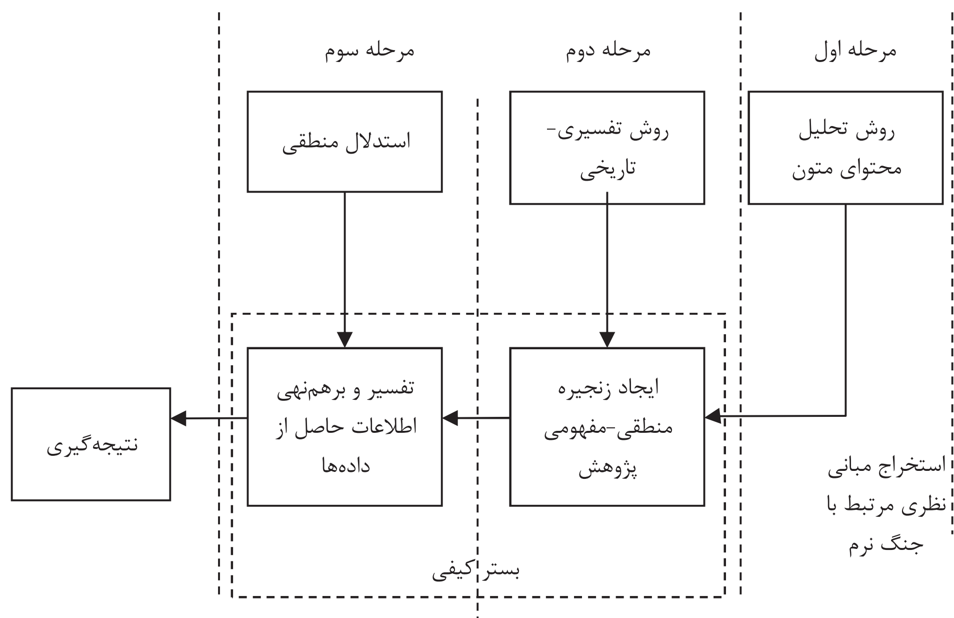
مقدمه و بیان مسئله

خداوند در آیه ۲۱۷ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَلَا یَزَالُونَ یُقَاتِلُونَکُمْ حَتَّی یَرُدُّوکُمْ عَنْ دِینِکُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا». معنای آیه این است که «مشرکان همواره با شما می‌جنگند تا شما را ـ اگر بتوانند ـ از دینتان برگردانند». واژه لایزالون، دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان «همیشه» با شما در جنگ هستند، اما به‌نظر می‌رسد نوع این جنگ مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی ممکن است متفاوت باشد. گاهی جنگ، جنگ نظامی است، گاهی اقتصادی است و گاهی نیز فرهنگی. اصولاً جنگ‌هایی که از نوع نظامی است و از وسایل و ادوات نظامی در آن استفاده می‌شود، به‌عنوان جنگ سخت[1] مشهور است. ولی اگر در این جنگ از وسایل و ادوات و کالاهای فکری و فرهنگی استفاده شود، اصطلاحاً آن را جنگ نرم[2] اطلاق می‌کنند. بنابراین شاخصه جنگ نرم، استفاده از ابزارهای فکری و فرهنگی است.[3] از زمان‌های گذشته تا دوران معاصر، جغرافیای تاریخی ایران آن را به سرزمینی با وقوع جنگ‌های متعدد تبدیل کرده است، بنابراین توجه به «فرهنگ فاجعه» در کشور ضروری به‌نظر می‌رسد.[4] توجه به فرهنگ فاجعه فقط در بُعد سخت‌افزاری نبوده و در جنگ نرم نیز وجود دارد. تأکید رهبر معظم انقلاب «بر استفاده از امکانات فرهنگی و هنری در مقابله با دشمن»[5] نیز دلالت بر این امر دارد. با توجه به اینکه جنگ نرم با اقدامات غیر خشونت‌آمیز در پی تغییر ارزش‌ها و هنجارهاست و هدف آن تغییر تمام مسائل هویتی در جامعه است،[6] توجه به عناصر مؤثر بر هویت، مثل «هنر و معماری» برای پاسخگویی مناسب به آن ضروری است. بنابراین می‌توان اهمیت بررسی معماری به‌عنوان یکی از ابزارهای جنگ فرهنگی را عنوان کرد. هدف این مقاله شناسایی تأثیرات تهاجم فرهنگی بر معماری ایران ـ اسلامی در قرن اخیر است. برای دستیابی به این هدف پس از بیان پیشینه موضوع، در مرحله اول نقش متقابل فرهنگ و معماری، تعاریف جنگ نرم و شاخصه‌های معماری اسلامی ـ ایرانی در حیطه پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرند و در مرحله دوم بسترهای تاریخی تهاجم فرهنگی در ابعاد زمانی مشخص شامل دوران قاجار (با تأکید بر دوران ناصری)، دوران پهلوی و دوره انقلاب اسلامی مطالعه و بررسی می‌گردد، در پایان نیز با مقایسه سطح تفاوت هر دوره، میزان تأثیر تهاجمات فرهنگی مشخص می‌شود.

1. Hard War.
2. Soft War.
۳. نای، «کاربرد قدرت نرم»، ***راهبرد دفاعی***، ش ۶ ص ۳۷ ـ ۱؛ افتخاری، ***مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی***، ص ۷۹ ـ ۲۳.
۴. حسن‌زاده، «چارچوب‌های فرهنگی جنگ»، ***نشریه کتاب ماه***، ش ۶۹ ص ۷۱.
۵. بیانات رهبری در دیدار با شاعران و طنزپردازان ادبی، مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۷، پخش شده از مستند غیر رسمی ۴.
۶. کالبرایت، ***آناتومی قدرت***، ص ۵۹.

روش تحقیق

گستره موضوع تحقیق در دو زمینه کلی «تاریخی ـ سیاسی» و «معماری و شهرسازی» تعریف شده است. بدین منظور ابتدا با روش «تحلیل محتوا» جنگ نرم و ادبیات مرتبط با آن معرفی و سپس تأثیرات آن بر ساختار شهر و معماری در بازه مدنظر مشخص شده است. داده‌ها و شواهد تحقیق با استفاده از روش «تفسیری ـ تاریخی» سازماندهی، ارزیابی و تحلیل شده‌اند. همچنین برای بررسی دقیق‌تر، فرایند تحولات جنگ فرهنگی در معماری و شهرسازی ایرانی ـ اسلامی به روش «مصداق پژوهی» مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین روش تحقیق پژوهش حاضر ترکیبی از روش‌های «تحلیلی، تفسیری ـ تاریخی و استدلال منطقی» در بستر کیفیست. (نمودار ۱)



نمودار ۱: روش تحقیق

لازم به ذکر است تأثیرات جنگ نرم بر معماری در مقیاس‌ها و چارچوب‌های فراوانی قابل بررسی و مطالعه است. در این مقاله فضاهای معماری در سه مقیاس خرد، میانی و کلان[۱] و در سه دوره قاجار (با تمرکز بر دوران ناصری)، پهلوی و انقلاب اسلامی بررسی خواهد شد. (نمودار ۲)

۱. عینی‌فر، «الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن ایران»، ***هنرهای زیبا***، ش ۱۳، ص ۷۷ ـ ۶۴.

	مقیاس خرد	مقیاس میانی	مقیاس کلان
قاجار			
پهلوی (اول و دوم)			
انقلاب اسلامی			

نمودار ۲: دامنه بررسی پژوهش

پیشینه پژوهش

در تبیین رابطه و تأثیرات متقابل انسان و معماری، یکی از موضوعات محرز و غیر قابل انکار، تأثیر فرهنگ و اصول ارزش‌های منبعث از آن بر شکل‌گیری معماری است. تأکید برخی از متفکرین و دست‌اندرکاران مسائل شهری و معماری که به فرهنگ‌گراها معروف هستند بر این موضوع به حدی است که آن را مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار بر محیط قلمداد نموده‌اند. به بیانی دیگر می‌توان گفت تأثیر فرهنگ، جهان‌بینی و تفکر انسان و جامعه بر شکل‌گیری محیط (شهر و معماری)، موضوعی است که تقریباً هیچ منکری نداشته و اختلافات در میزان شدت و ضعف تأثیر آنهاست.[1] آموس راپاپورت[2] در این باب فعالیت مستمر داشته و مطالعات مختلفی را مبتنی بر یک روال مشخص انجام داده است. او در تحقیقات خود به‌دنبال نظری جامع است و برای دستیابی به آن طیف گسترده‌ای از مصادیق (از نظر زمانی و مکانی) را بررسی می‌کند، او این عامل را تضمین صداقت نظریات خود می‌داند. مقالات «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»[3] و «ابداع معماری، از غار تا شهر»[4] از جمله این پژوهش‌هاست که در پی اثبات رابطه مؤثر فرهنگ و معماری است. گونه‌ای دیگر از نوشته‌های راپاپورت به مباحث کلی و نظری اشاره دارد و چارچوب‌هایی را برای ارتباط فرهنگ و معماری ترسیم می‌کند. کتاب ***فرهنگ، معماری و طراحی*** از این جنس است. در این کتاب فرهنگ عامل اساسی معماری و طراحی معرفی شده و دلیلی برای احساس خوشنودی یا نارضایتی از محیط اعلام می‌گردد. راپاپورت می‌گوید: «چنانچه معماری، ساخت‌وسازی

---

۱. نقی‌زاده، «تأثیر معماری و شهرسازی بر ارزش‌های فرهنگی»، ***هنرهای زیبا***، ش ۱۱، ص ۶۳.

2. Amos Rapoport.

۳. راپاپورت، «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»، ***خیال (فرهنگستان هنر)***، ش ۸، ص ۹۷ ـ ۵۶.

۴. راپاپورت، «ابداع معماری، از غار تا شهر»، ***آبادی***، ش ۳۹، ص ۴۰ ـ ۸.

Archive of SID.ir

براساس قالب های ذهنی نامیده شود، شکل و نظام سازماندهی شهر و معماری هر منطقه متأثر از محیط فرهنگی آن است»،[۱] وی رابطه بین این مفاهیم را در «ذهن» و «نظم» می‌داند. پاول الیور[۲] نیز از صاحب‌نظران در مقوله فرهنگ و معماریست که همانند راپاپورت محور پژوهش‌های خود را بر معماری بومی و سنتی قرار داده است و اهمیت فرهنگ را با استفاده از تحقیقات مصداقی تبیین کرده است.[۳] مطالعات بسیاری با استفاده از مصداق حوزه‌های معماری در باب فرهنگ انجام شده است. این مطالعات سعی دارند تا با خوانش مصداقی خاص، وجوه فرهنگی آن را تعریف نمایند و رابطه علت و معلولی را تبیین کنند. در این قسم مطالعات، فرهنگ به اجزای ملموس و قابل مشاهده تقلیل می‌یابد و محدود به بازه زمانی و مکانی خاص می‌شود. در این مطالعات، معماری نمود فرهنگی بوده و تغییر در آن به معنای تغییر در فرهنگ محسوب می‌شود.[۴] هوهمن[۵] در مطالعاتش به موضوعاتی مانند «تحولات فرهنگی»، «الگوگیری های فرهنگی» و «فرهنگ ارتباطات» در مصادیق معماری می‌پردازد. در این مطالعات هدف تنها بررسی چند مصداق معماری و خوانش وجوه فرهنگی آنها نیست، بلکه «پدیده خاص فرهنگی» در بستر معماری مورد توجه قرار می‌گیرد تا بتوان به نتیجه مورد نظر دست یافت.[۶] در رساله دکتری مینر[۷] به نقش معماری در تحولات و نوسازی فرهنگی رم پرداخته شده است.[۸] همچنین هسی حسن اوقلو[۹] نیز به تأثیر تحولات فرهنگی ناشی از شکل‌های مختلف مسکن‌سازی اشاره می‌کند.[۱۰] در بین پژوهش‌گران داخلی، معظمی و حجت[۱۱] ریشه برخی از معضلات و بحران اجتماعی در ایران را «گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر» بیان می‌کنند، که جنگ نرم و تهاجم فرهنگی می‌تواند یکی از دلایل چالش یاد شده باشد. مفهوم جنگ نرم در طول تاریخ به شکل های مختلف و در سطوح متفاوت به کار رفته است. نگاهی بر تعاریف اولیه از عبارت جنگ نرم یا عبارات بدیل آن نشان می‌دهد که کاربرد این نوع

---

۱. راپاپورت، ***فرهنگ معماری و طراحی***، ص۵۹.

2. Paul Oliver.
3. Oliver, Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World.
4. Said, "Cultural - Ethnic Landscape of Terrace Housing Community in Peninsular Malaysia", Journal Teknologi, No. 35, p. 13.
5. Hasso Hohmann.
6. Hohmann, Culture of Memory and MAYA Architecture: Architectural Documentation and Interpretation of Structure1 of Chunxhimai 3.
7. Heather Hyde Minor.
8. Minor, Refoming ROME: Architecture and Culture, 1730 – 58.
9. Isil Hacihasanoglu.
10. Hacihasanoglu, "Cultural processes and physical change in Sisli - Istanbul". Habitat International. No. 30, p. 14.

۱۱. معظمی و حجت، «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران»، ***معماری و شهرسازی آرمانشهر***، ش ۲۱، ص ۱۱۲ ـ ۱۰۳.

جنگ بیشتر محدود به زمان جنگ فیزیکی یا زمان اعلام وضع فوق‌العاده بوده است. اما تعاریف امروزی از این نوع جنگ به هیچ وجه آن را منحصر به دوران جنگ و وضعیت فوق‌العاده و بحرانی نمی‌داند و در دوران صلح و آرامش نیز در سطوح و شدت‌های مختلف می‌توان شاهد جنگ نرم بود.[۱] نکته دیگری که در این جا باید بدان توجه شود دایره گسترده مفاهیم مترادف و یا همبسته جنگ نرم است؛ برای نمونه جنگ رسانه ای، پروپاگاندا، جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ روانی، جنگ مجازی، جنگ از راه دور، جنگ ایدئولوژیک، جنگ عقیدتی و مانند این عبارات در مرحله نخست نشان دهنده پیچیدگی مفهوم جنگ نرم و گستردگی مصادیق و اشکال آن بوده و در مرحله بعد اهمیت آن را نشان می‌دهند.[۲] بنابراین جنگ نرم را می‌توان هر گونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد، تعریف کرد. بنابر اعتقاد نای[۳] جنگ نرم، دو «پیکارگاه» دارد؛ یکی قلب و دیگری مغز. تصرف «قلب‌ها و مغزها» یا دل‌ها و ذهن‌ها، هدف منازعات نرم است. در جنگ نرم، عامل تهدید به‌دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک کند. یک بخش، تأثیرگذاری بر افکار از طریق «باورسازی» و «الگوپردازی» است و بخش دیگر آن را «باورسوزی» و «مسخ الگوهای رایج» تشکیل می‌دهد. بنابراین یکی از اهداف در جنگ نرم می‌تواند تغییر فرهنگ به وسیله تغییر الگوهای رایج و الگوسازی جدید در معماری باشد. با توجه به اهمیت مفاهیم مرتبط با جنگ نرم و معماری، بخشی از پیشینه پژوهش در قالب مبانی نظری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

با توجه به تعاریف اولیه جنگ نرم، به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین هدف این سبک جنگی، تغییر و استحاله فرهنگ باشد، معماری نیز به‌عنوان بستر فرهنگ هر جامعه می‌تواند یکی از اهداف راهبردی در تهاجم‌های فرهنگی باشد، بنابراین شناخت دوگانه «جنگ نرم و فرهنگ» و «محیط و فرهنگ» می‌تواند حائز اهمیت باشد.

الف) جنگ نرم و فرهنگ

جنگ نرم پدیده‌ای چند وجهی است که در سه حوزه «منبع نرم»، «مدیریت» و «استحکام قدرت»، امکان کاربرد می‌یابد. از این منظر، جنگ نرم عبارت از تضعیف یا زوال منابع نرم قدرت حریف، تضعیف

۱. آقاجانی و عسگری، «جنگ نرم و فلجسازی راهبردی»، ***اطلاعات راهبردی***، ش ۹۸، ص ۱۱.
۲. نصر، ***جنگ روانی***، ص ۸۲.
۳. نای، «کاربرد قدرت نرم»، ***راهبرد دفاعی***، ش ۶ ص ۳۷ ـ ۱.

یا زوال ماهیت اخلاقی قدرت رقیب و بالاخره، تضعیف یا زوال هویت هنجاری قدرت بازیگر مقابل است و به همین سبب، بسیار مؤثرتر از جنگ‌های سخت ارزیابی می‌شود.[۱] جنگ نرم در تلاش است تا مراکز ثقل موضوعات مرجع امنیت نرم صدمه ببیند.[۲] عده‌ای جنگ نرم را این گونه تعریف می‌کنند: «اعمال قدرت نرم برای شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها، ادراکات، انتظارات، ارجحیت‌ها، انتخاب‌ها و الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، به منظور همسازی، تنظیم، کنترل و تغییر هویت سوژه انسانی و جهان ذهنی در راستای تأمین اهداف و تحقق نتایج مطلوب». این تعریف، نگاهی همه جانبه به جنگ نرم دارد و بر اساس آن، جنگ نرم: اولاً، دارای ابعاد سه گانه ثبوتی، سلبی و انتقالی است. ثانیاً، طی سه مرحله تولید و ترویج (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری خود)، تردید، تضعیف و تخریب (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دیگری) و تغییر بدیل‌ها (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دیگری به خودی) عملیاتی می‌شود. ثالثاً، در سطوح سه‌گانه باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری صورت می‌گیرد.[۳] دسته‌ای از نویسندگان، جنگ نرم را نفوذ در بسترهای فرهنگی و اجتماع یک جامعه با استفاده از فنون تبلیغاتی می‌دانند که بینش، بصیرت و آگاهی افراد یک جامعه را دستکاری و آنها را در جهت اهداف خود سوق می‌دهند. ایجاد اختلال در ارزش‌های یک جامعه، تهی کردن افراد از خود واقعی، ارزش‌آفرینی منفی و تغییر ارزش‌های مثبت و از میان بردن منابع عینی و ذهنی سرمایه اجتماعی، از مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی و اجتماعی این دیدگاه است.[۴]

عده‌ای دیگر با برجسته‌سازی ابزارهای مجازی و ارتباطی در عصر نوین، جنگ نرم را استفاده طراحی شده از تبلیغات و فعالیت ها به جای جنگ فیزیکی و انتقال عقاید و اطلاعاتی برای تأثیرگذاری بر نگرش ها و رفتارهای گروه‌های خارجی می‌دانند.[۵] عده‌ای از راهبردشناسان جنگی، جنگ نرم را استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شوند، معرفی می‌کنند.[۶] در برخی از دیدگاه‌های رایج در باب مفهوم‌شناسی جنگ نرم، این پدیده با تولید واقعیت‌های مجازی همنشین

---

۱. افتخاری، «مفهوم جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی براساس اصول قرآن کریم»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، ش ۲، ص ۲۴.

۲. قدسی، «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم»، ***مطالعات قدرت نرم***، ش ۲، ص ۸۲.

۳. دهقانی فیروزآبادی، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، ***مطالعات راهبردی***، ش ۵۱، ص ۸ ـ ۷.

۴. ماه‌پیشانیان، «بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم»، ***مطالعات بسیج***، ش ۵۰، ص ۱۱.

۵. عبدی، ***جنگ نرم***، ص ۲۴.

۶. کالینز، ***استراتژی بزرگ، اصول و رویه‌ها***، ص ۴۸۷.

شده است که در آن «تصویرسازی» موضوعیت یافته است؛ بدین معنا که بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، از رقیبان خود، تصویری مجازی تولید کنند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد.[۱] در همین راستا، جوزف نای، جنگ نرم را استفاده یک کشور از قدرت نرم برای «دستکاری افکار عمومی» کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان می‌داند[۲] که شامل اهدافی مانند فلج‌سازی راهبردی جامعه هدف، تخریب فرهنگ نظام‌های ارزشی، دگردیسی سبک زندگی و استحاله باورها و ارزش‌های اساسی است.[۳]

می‌توان گفت روابط ایران با غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی در دوران صفوی آغاز شد، اما موضع قدرتمند این دولت در مقابل کشورهای غربی،[۴] موجب شد تا تأثیرات مذکور به صورت حداقلی (به طور مثال در دیوارنگاره‌ها یا تزئینات بسیار خُرد) و مبتنی بر ترجمان ایرانی ـ اسلامی ظهور پیدا کند. بنابراین با توجه به بیانات رهبرِ حکیم انقلاب باید گفت «سابقه جنگ نرم در ایران مربوطه به دهه‌های پس از انقلاب نبوده، بلکه جنگ نرم در ایران از اواخر دوران ناصرالدین‌شاه قاجار با اقداماتی برای انزوای دین آغاز و مشخصاً در دوران پهلوی اول پا گرفت و در دوران پهلوی دوم شدت یافت».[۵] با ظهور انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی نیز به‌وسیله گسترش ابزارهای تبلیغی و گفتارها و افکارهای تزریق شده به جامعه شعله‌هایی از جنگ فرهنگی نمایان شد و پس از پایان جنگ نظامی، جبهه جدیدی از جنگ فرهنگی و محاصره اقتصادی علیه ایران شکل گرفت[۶] (گسترش بیشتر جنگ نرم پس از پایان جنگ سرد). با توجه به اینکه دگردیسی سبک زندگی یکی از اهداف جنگ نرم است، به‌نظر می‌رسد یکی از این بازیگران این جنگ، محیط زندگی انسان باشد که با تغییر ذائقه و سلیقه مخاطبان (از جمله معماران و استفاده‌کنندگان از فضا) می‌توان آن را تغییر داد و به تبع آن سبک زندگی و فرهنگ را متحول ساخت و در راستای دستیابی به سلطه‌گری حداکثری استفاده کرد، بنابراین ضروریست نقش متقابل فرهنگ و معماری مشخص گردد.

---

۱. احمدزاده‌کرمانی، «درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی»، ***مطالعات بسیج***، ش ۴۳، ص ۴ ـ ۳.

۲. نای، «کاربرد قدرت نرم»، ***راهبرد دفاعی***، ش ۶، ص ۳.

۳. رفیع و قربی، «مختصات اهداف فرهنگی ـ اجتماعی ترسیم شده در فرآیند جنگ نرم»، ***مهندسی فرهنگی***، ش ۷۹، ص ۲۱۲ ـ ۱۹۲.

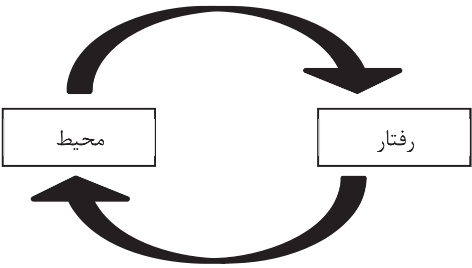
۴. بیگدلی، «روابط خارجی ایران عصر صفوی»، ***زمانه***، ش ۵۰، ص ۲۲ ـ ۱۳.

۵. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۲۵ در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی؛ https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=2630

۶. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۲/۰۹/۲۴ در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب؛ https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=2695

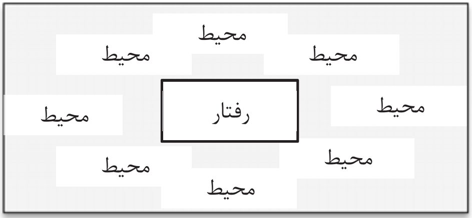
ب) تأثیرات متقابل فرهنگ و معماری

فرهنگ به دو طریق در ارتباط با سیستم‌های محیطی ـ رفتاری[۱] اهمیت دارد: اول نقش فرهنگ در توصیفات متعدد، الگوها و تئوری‌هایِ محیطی و دوم در درک استفاده‌کنندگان از محیط.[۲] بنابر نظریه محیط و رفتار، دو فرض در این خصوص متصور است. فرض اولیه بیان می‌دارد که مردم و رفتارهایشان بخش‌هایی از یک نظام کلی هستند که «محیط» را در بر دارند، به‌گونه‌ای‌که رفتار و محیط غیرقابل تفکیک می‌باشند. ازاین‌رو می‌توان گفت رفتارهای انسان همیشه در یک مکان روی می‌دهد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تأثیرات محیطی ارزیابی کرد، به همین طریق مکان را نیز نمی‌توان و نباید جدا از رفتارهای انسان ارزیابی کرد (نمودار۳).[۳]



نمودار ۳: ارتباط متقابل محیط و رفتار

نظریه دوم در خصوص محیط و رفتار، تصور محیط به‌عنوان صحنه نمایش و انسان به‌عنوان بازیگر این صحنه است، بدین معنا که رفتارها در محیط جای می‌گیرند، البته درست است که رفتارها در بستر محیط انجام می‌شوند اما این نظریه به تعامل و تأثیر متقابل محیط و رفتار نمی‌پردازد (نمودار۴).[۴]



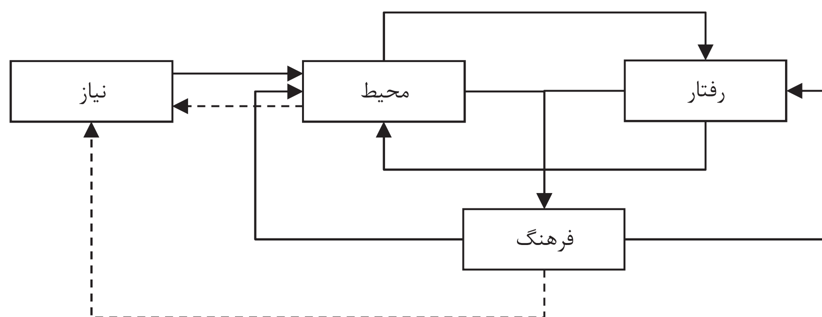
نمودار ۴: جایگیری رفتار در محیط بدون در نظر گرفتن رابطه متقابل محیط با رفتار

---

1. Systems Behavior & Environment.

۲. راپاپورت، ***فرهنگ معماری و طراحی***، ص ۵۹.
۳. دورک، ***برنامه‌دهی معماری***، ص ۱۲۶.
۴. همان، ص ۱۲۷.

توجه به فرهنگ در تعامل رفتار ـ محیط گریزناپذیر است. فرهنگ پدیده‌ای است که عموماً برای توصیف انسان‌ها بکار می‌رود و به‌دلیل احاطه انسان توسط محیط، بررسی فرهنگ الزامیست. داشتن فرهنگ انسان را می‌سازد و انواع آن را توصیف می‌کند و این وصف براساس زبان، مذهب، عادات قضایی، قوانین و بسیاری وجوه دیگر است. همچنین تأثیرات محیط بر روی مردم نیز تحت عامل فرهنگ مشخص می‌شود. همچنین باید توجه کرد که بسیاری از مکانیسم‌ها که مردم و محیط را مرتبط می‌کنند فرهنگی هستند و ادراک محیط تحت‌تأثیر آنها شکل می‌گیرد.[۱] از طرفی محیط‌های مصنوع برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان ساخته شده‌اند[۲] و سیستم‌های استقراری براساس نیازها شکل‌گرفته و تحت‌تأثیر محیط هستند و می‌توان از آن به‌عنوان نمادهای فرهنگی نام برد.[۳] با توجه به رابطه متقابل محیط و رفتار می‌توان ساختار رابطه فرهنگ و معماری را براساس تمام شرایط بیان کرد، بدین ترتیب که نیازهای انسان ها محیط و فعالیت را تشکیل می‌دهند، که تحت‌تأثیر عامل فرهنگ شکل می‌گیرد، محیط نیز عامل فعال در اغنای نیازها و جهت دهنده به فعالیت‌هاست. (نمودار ۵)



نمودار ۵: رابطه متقابل محیط، رفتار، فرهنگ و تبیین جایگاه نیازهای استفاده کنندگان

بنابراین می‌توان «محیط معماری» را تبلورِ رفتار باشندگان محسوب کرد و تأثیرات آن را روی رفتارهای ثانویه مخاطبان فضا مشاهده نمود، با این توضیح که در معماری اصیل اسلامی ـ ایرانی، محتوا نسبت به کالبد برتری دارد، اما کالبد تجلی‌کننده محتواست، یعنی در این معماری علاوه بر جنبه‌های فرمی و جنبه‌های عقل‌گرایانه عملکردی، جنبه‌های عرفانی و شهودی معماری نیز قابل استنباط است.[۴]

۱. راپاپورت، ***فرهنگ معماری و طراحی***، ص ۶۱.
۲. نقره‌کار و دیگران، «بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام، مطالعه موردی خانه زینت‌الملوک شیراز و بروجردی‌های کاشان»، ***شهر ایرانی ـ اسلامی***، ش ۱۵، ص ۳۴ ـ ۲۱.
۳. راپاپورت، ***فرهنگ معماری و طراحی***، ص ۷۵ ـ ۵۹.
۴. نقره‌کار، ***برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری***، ص ۳۲۳.

به‌نظر می‌رسد در معماری اسلامی ـ ایرانی محتوا موجب ترقی کالبد و کالبد نمایان‌گر محتواست، پس با ارائه نیازهای جدید (و بعضاً کاذب) می‌توان مفاهیم بنیادین محیط و سپس رفتارهای مخاطبان را تغییر داد.

بحث و بررسی در بستر پژوهش و یافته‌ها

با توجه به دامنه مطالعاتی (نمودار۲)، می‌توان تأثیرات جنگ فرهنگی بر معماری و شهرسازی کشور را بررسی و تحلیل نمود. این پژوهش در گسترده زمانی و مکانی معرفی شده شاخص‌های کالبدی فضا را در سه مقیاس خرد، میانی و کلان بررسی و تحلیل می‌کند. براین اساس مقیاس خرد مرتبط به اجزای فضایی و عملکردی واحدهای مسکونی است و شامل اتاق‌ها، آشپزخانه، سرویس و دیگر فضاهای خدماتی و ارتباطی می‌شود. مقیاس میانی به گروه‌های فضایی و کلیت یک واحد معماری مانند خانه مرتبط بوده و با الگوی اصلی تک بناها سروکار دارد. جبهه‌های اصلی هر واحد (مانند نماها) و ارتباط درون و بیرون سلول‌ها و الگوی شکل‌گیری آنها از نکات قابل توجه در این مقیاس هستند. مقیاس کلان نیز ارتباط میان واحدهای معماری در بافت محله و شهر را بررسی می‌کند. راه‌های ارتباطی و بافت کلی فضاهایی مثل بازار، محلات و دیگر فضاهای کلان شهری در این مقیاس تحلیل می‌گردد.[۱] براساس یافته‌های قبلی مشخص شد که محیط و رفتار دارای تأثیرات متقابل بر یکدیگر هستند، بنابراین می‌توان گفت که فرهنگ عامل موثری در ساخت محیط شده و سپس محیط تأثیر فراوانی بر فرهنگ می‌گذارد، بنابراین با تغییر در محیط، فرهنگ نیز دچار تغییرات می‌شود. با بررسی تغییرات محیط معماری در دوره‌های گوناگون (حیطه مطالعاتی مقاله) می‌توان صحت مطلب فوق را بررسی کرد.

تأثیرات تهاجم فرهنگی در مصادیق معماری قاجار (دوران ناصری)

به‌طورکلی، فرهنگ هر ملت و کشوری، در برگیرنده باورها، ارزش ها، آداب و رسوم و بایدها و نبایدهایی است که به‌عنوان زیر بنای اصلی هویت آن کشور به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، از جمله اهداف جنگ فرهنگی، به حاشیه راندن فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملت‌هاست تا با حاکم کردن فرهنگ جدیدی در راستای فرهنگ‌سازی جهانی، خواسته‌های مهاجمان در تمام ابعاد تأمین شود و اداره کشورها را به دست گیرند. شبکه‌سازی جنگ نرم برای نبرد با اسلام و حکومت‌های اسلامی، به خصوص ایران سابقه‌ای طولانی داشته و به دوران ناصری بازمی‌گردد. براساس بررسی‌ها مشخص شد که تهاجمات فرهنگی در معماری (به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر جنگ نرم) در دوره اول ناشی از خودباختگی در مقابل مظاهر

---

۱. عینی‌فر، «الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن ایران»، ***هنرهای زیبا***، شماره۱۳، ص۷۱.

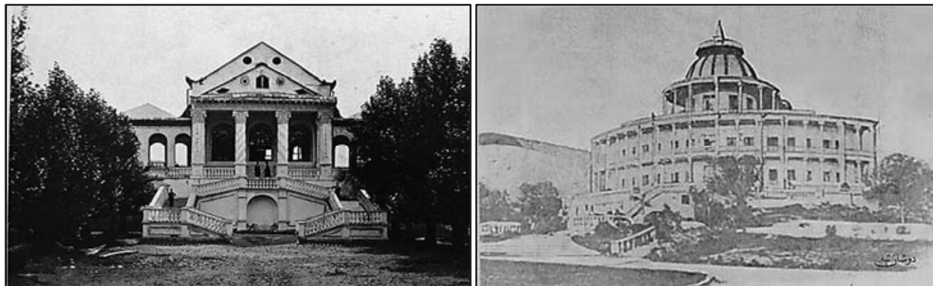
ترقی سرزمین‌های غربی بوده و نخستین گام‌ها در راستای استحاله فرهنگی ایـران از آن دوران برداشـته شده است. این تأثیرات در مقیاس‌های مختلف معماری دوران ناصری قابل بررسی است.

معماری ایران دارای شش شیوه بوده،[۱] کـه در پایـان روزگـار محمدشـاه دوره نخسـت آن بـه پایـان می‌رسد، دوره دوم آن (همزمان با سلطنت ناصرالدین‌شاه)، زمان پسرفت و انحطـاط ایـن سـبک اسـت.[۲] ناصرالدین شاه در طول سلطنت خود سه بار به اروپـا سفر کرد[۳] و تا حد بسیار زیـادی تحـت‌تـأثیر مظـاهر اروپایی قرار گرفت و دچار خودباختگی فرهنگی شـد و پس از بازگشت از سفرها، «تقلید» از سـبک هـای هنری را دستور کـار قـرار داد.[۴] بناهـای ایـن دوران تلفیقـــی از معمـــاری ســـنتی ایـــران و معمـــاری نئوکلاسیک غرب است.[۵] اولین بنایی که در تهران با استفاده از عناصر معماری غرب ساخته شده، مدرسـه دارالفنون (۱۲۶۸ ـ ۱۲۶۶ ق) است (تصویر ۲).



تصویر ۲. دیوار شمالی مدرسه دارالفنون. طاق‌های نیم‌دایره، اولین تجلیات معماری نئوکلاسیک غربی در ساختمان‌های ایران، ماخذ: URL1

برای اولین بار قوس‌های نیم دایره رومی و ستون‌های فرنگی مشاهده می‌شود و بعدها ایـن شـیوه و نفوذ معماری اروپایی در بناها و کاخ‌های «باغ فردوس» و «کاخ سلطنت‌آباد» دیده می‌شود (تصویر ۳).



تصویر ۳. راست: کاخ فرح‌آباد، چپ: کاخ سلطنت‌آباد. در معماری این کاخ‌ها می‌توان مظاهر معماری غربی مانند سقف دایره‌ای، سقف شیب‌دار فلزی، سنتوری، بالکن را مشاهده نمود. ماخذ: URL1

---

۱. پیرنیا، ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***، ص ۳۸ ـ ۳۴۹.
۲. همان، ص ۲۷۲.
۳. در سال‌های ۱۲۹۰ ق / ۱۸۷۲ م، ۱۲۹۵ ق / ۱۸۷۸ م و ۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۸ م.
۴. لعل‌شاطری و وکیلی، «تأثیر سفرهای اروپایی ناصرالدین شاه بر روند غرب‌گرایی موسیقی و نمـایش در عصـر ناصـری»، ***پژوهش هنر***، ش ۱۲، ص ۱۳.
۵. قبادیان، ***معماری معاصر غرب***، ص ۱۸.

اما در دهه آخر سطنت ناصرالدین شاه ساختمان هایی کاملاً به ظاهر غربی که هیچ‌گونه نمادی از معماری سنتی ایران در آن دیده نمی‌شود، مثل «قصر یاقوت» ساخته شده است (۱۳۰۳ ـ ۱۳۰۲ ق). ساختمان قصر، به شکل مکعب مستطیل، با بام شیبدار فلزی و بالکن در چهار طرف آن بود (تصویر ۴). شیوه معماری این دوره را تهرانی نامیده اند و تلفیقی از شیوه اصفهانی با سبک غربی است.[۱]



تصویر ۴. قصر یاقوت. اولین بنا در روزگار ناصری بدون نمادها و شاخص‌های معماری ایران، ساختمان این بنا در راستای تجلی فکری در جامعه آن زمان احداث شده است. ماخذ: URL2

در این دوره عناصر و تزیینات غربی بیشتر بر معماری کاخ‌ها یا بناهای تازه‌بنیاد که حاصل نیازهای جدید بود (مانند مدرسه، تلگرافخانه و ...) اثر گذاشت، اما ساماندهی فضایی هنوز مطابق با الگوهای ایرانی بود و نظم پلان با نما تطابق داشت، که با عناصری مثل بام شیبدار، ایوان ستون‌دار، سرستون‌های کورنتی و ایونیک، قوس‌های نیم دایره و نقاشی‌های واقع‌گرا (مشابه نقاشی‌ها معماری غرب) تزیین یافته بود. در معماری سنتی ایران پله عنصری مهم و نمایان نبود، اما در این دوران کاربرد پله به‌عنوان عنصری کاربردی ـ تزیینی در معماری کاخ‌ها و عمارات به تقلید از معماری اروپا رایج شد و پله ها در محور اصلی ساختمان قرار می‌گرفتند (تصویر ۳، چپ). در این دوره هنوز از فضاهای شناخته شده معماری ایرانی استفاده می‌شود اما بعضاً در جای مناسب و تعریف شده خود قرار ندارند و ارتباط آنها با سایر فضاها مطابق الگوی کهن خود نیست.[۲] معماری پایتخت در دوران ناصری دو شکل مجزا یافته بود، اول ساختمان های مجلل قشر مرفه که شکل فرنگی پیدا کرد و دوم ساختمان‌های مردم عادی بود که فرق چندانی با الگوهای قبلی نداشت.[۳] (تصویر ۵)



تصویر ۵. خانه کاظمی تهران. از جمله خصوصیات این بنا پنجره‌های منت‌کاریش شده، گچبری‌های نفیس و آجرکاری‌های اصیل است. در این بنا ساختار پلان همانند دوره‌های قبلی بود و وجه تمایز آن نسبت به دوران قبلی استفاده از قوس‌های نیم‌دایره است. ماخذ: URL2

---

۱. همو، ***سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران***، ص ۵۶.
۲. بانی‌مسعود، ***معماری معاصر ایران***، ص ۱۱۶.
۳. نیلفروشان، ***معماری ایران از آغاز تا دوره قاجاریه***، ص ۹۵.

در زمان ناصرالدین شاه سه بار از شهر نقشه تهیه شد. اولین نقشه متعلق بـه سـال ۱۲۶۹ ق. توسـط «بِرزین روسی» است که نمودی از یک شهر سنتی اسلامی در منطقه گرم و خشـک کشـور اسـت. ایـن شهر دارای ۴ محله مشخص عودلاجان، سنگلج، چاله میدان و بازار بود (تصـویر ۶ الـف). ایـن محـلات خصوصیات اجتماعی، فرهنگی، قـومی و اقتصـادی خـاص خـود را دارد. نقشـه دوم توسـط «کریشـیش اتریشی» در ۱۲۷۵ ق. تهیه شده است که جزئیـات کامـل‌تـری از شـهر را دارد. در ایـن زمـان مسـاحت باغ‌های حاشیه شهر کاهش یافته و به مناطق مسکونی تبدیل شده و دو میدان ارگ و سـبزه‌میـدان هـم اضافه شده است (تصویر ۶ ب). نقشه سوم که دقیق‌ترین نقشه عصر ناصریست، توسـط «عبـدالغفارخان نجم‌الملک» تهیه شده است. در این نقشه تفاوت بافت جدید و بافت قدیمی شهر کاملاً مشـخص اسـت. بافت قدیم به صورت متراکم و با گذرگاه‌های باریک و نامنظم باقی مانده؛ ولی بافـت جدیـد خصوصـاً در محله جدید دولت در دارالخلافه دارای تراکم کمتر و خیابان‌ها به صورت مستقیم با عـرض بیشـتر شـبیه طرح‌های خیابان‌های پاریس است.[۱] (تصویر ۶ ج)



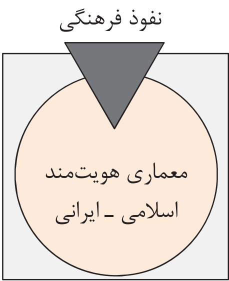
الف ب ج

تصویر ۶. نقشه‌های تهران در دوران ناصری. الف: نقشه برزین، شهری با خصوصیات اسلامی.
ب: نقشه کریشیش، شهری با خصوصیات اسلامی و فضاهای شهری جدید مثل میادین سبز
ج: نقشه عبدالغفار، شهری با خصوصیات اسلامی و محله جدید مشابه با کشورهای غربی. ماخذ: URL3

با بررسی تاریخ و معماری عصر قاجار، چنین نتیجـه‌گیـری مـی‌شـود کـه بـا تغییـر منـابع فکـری و اندیشه‌های حاکم بر جامعه، و نیز آگاهی از پیشرفت‌های اروپا، نیازهایی متفاوت با گذشته ایجاد شد. ایـن نیازها نخست در میان درباریان و اقشار مرفه خود را نشان دادند. آنان برای پاسخ گویی بـه ایـن مسـائل، راه حل را الگوبرداری از غرب معاصر خود یافتند. به این منظور اقداماتی نظیـر اعـزام دانشـجو بـه اروپـا، دعوت از معلمان و متخصصان اروپایی و وارد کردن تکنولوژی از اروپا انجام شد. رهاورد این اقـدامات در

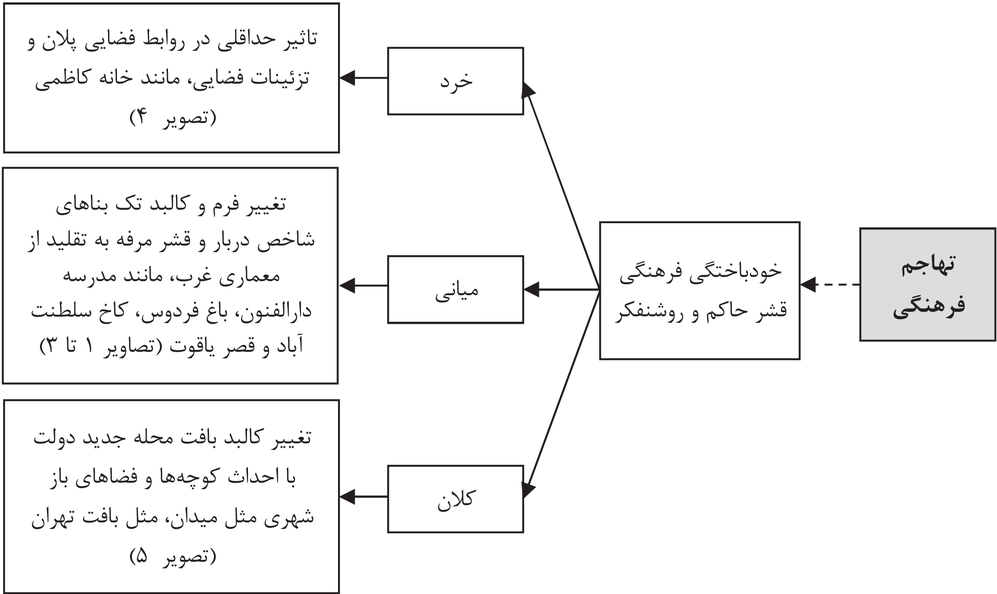
۱. قبادیان، ***معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران***، ص ۲۵.

عرصه معماری، در گام نخست تغییر «ظواهر» بناهایی مانند کاخ‌های نو و سپس بافت شهر بود، بعد از آن تزیینات، مصالح و بعضی شیوه‌های اجرا دستخوش تغییر شدند، به صورتی که آرایه‌های این دوره به صورت تشبیهی (برخلاف اصل تنزیه‌گرایی) ایجاد شدند و در ساخت بناها به صورت آشکار از آثار غیر مسلمانان تقلید گردید، همچنین در این عصر لزومی برای به‌کارگیری معماران مهذب وجود نداشت (به‌خصوص در ابنیه‌های نوبنیاد). (تصویر ۷)



تصویر ۷. میزان تاثیر جنگ نرم بر معماری ایران در دوره ناصری

در دوران ناصری ساماندهی پلان، تزئینات و روابط فضایی ساختمان‌های «مردم عادی» بدون تغییر بود، عدم تحول در معماری بناهای مردم می‌تواند ریشه در «سبک زندگی» آنها و عدم علاقه‌شان به حذف و نادیده گرفتن هویت‌شان داشته باشد، اما در مقیاس میانی و «سازماندهی بناهای خاص درباری یا قشر مرفه»، تقلید از «سبک ها و اصول معماری غربی» قابل استنباط و مشاهده است. این تقلید و تأثر از معماری غرب در مقیاس میانی منجر به شکل‌گیری بافت محله دولت براساس الگوهای شهرسازی کشورهای غربی بود. بنابراین می‌توان گفت نخستین تأثیرات فضایی برای استحاله فرهنگی ایران از آن دوره شروع شده است. (نمودار ۶)



نمودار ۶: تأثیرات جنگ فرهنگی بر مقیاس خرد، میانی و کلان معماری قاجار

تأثیرات تهاجم فرهنگی در مصادیق معماری دوران پهلوی

اگر دوره ناصری به‌عنوان بستر تهاجم فرهنگی نام برده شود، دوران پهلوی را می‌توان به‌عنوان شروع رسمی تهاجم فرهنگی و استحاله معماری ایران برای تغییر در سبک زندگی مردم نام‌گذاری کرد. مبارزه با اصول اساسی دین شاخصه فرهنگی این دوران است، که پیروی از آن در معماری و شهرسازی ایران تبلور یافت و معماری دچار گسست و تغییرات فراوانی شد. کاربری‌های جدید و فضاهای حاصل از آن در تمام سطح جامعه تسری یافتند و منجر به دگرگونی فضاهای قبلی شدند. در این دوران روابط فضایی در پلان ساختمان‌ها دستخوش تغییرات عمیقی شد و تزئینات از مقیاس خرد معماری ایران حذف گردید. در مقیاس میانی، علاوه بر قشر مرفه و حاکم، تغییرات در اندیشه دیگر اقشار جامعه نیز به وقوع پیوست و نخستین گام‌ها برای تغییر سبک زندگی مردم برداشته شد. در مقیاس کلان نیز بافت‌های شهری قدیمی دچار برون‌گرایی و از هم‌گسیختگی شد.[1] در دوره دوم حکومت پهلوی تهاجم فرهنگی و تأثیرات آن به خواست و اراده جدی گروه حاکم بر کشور شکل گرفت و بی‌هویتی حاصل از آن به‌عنوان نماد پیشرفت و تمدن بیان شد. با توجه به مطالب بیان شده، آثار معماری دوره پهلوی را در دو بخش مجزا می‌توان بررسی و مطالعه نمود، بخش اول مربوط به سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ است و دوره دوم بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ است.

پهلوی اول

دوران پهلوی اول معماری ایران متأثر از سبک‌های گوناگونی شکل گرفته است. در یک دسته‌بندی کلی‌تر می‌توان دو نگرش باستان‌گرایی و تجددگرایی را استنباط نمود. نگرش باستان‌گرایی توجه بیشتری به دوران ساسانیان و هخامنشیان داشت و عناصری که مورد بهره‌برداری و یا تقلید قرار گرفتند به دو گونه بود: عناصر مشخص معماری در مقیاس خرد نظیر ستون‌ها، سرستون‌ها، پایه ستون‌ها، پنجره‌ها، پلکان، ورودی‌ها، قوس‌ها و دهانه‌ها و عناصر تزیینی نظیر نقوش برجسته حجاری‌ها، مجسمه‌ها، کنگره بام و مانند آن. در دوره پهلوی اول معماران ایرانی و غربی در ساخت بناهای دولتی، آموزشی و صنعتی با نوعی الزام تاریخی روبرو شدند. آنان باید می‌فهمیدند که از چه دوره و چگونه و به چه مقدار انتخاب کنند. معماران اگر چه متأثر از فضای سیاسی باستان‌گرایی بودند، توانستند با تعدد بناهای ساخته شده فضای معماری باستان‌گرایی را تنوع بخشند. نمونه این بناها کاخ شهربانی دربند، بانک ملی و ساختمان فرش است.[2] (تصویر ۸)

---

۱. حبیبی، ***از شار تا شهر***، ص ۱۵۹.

۲. صارمی، ***ارزش‌های پایدار در معماری ایران***، ص ۴۵.



الف



ب



ج

تصویر ۸. الف: کاخ شهربانی دربند، ب: ساختمان بانک ملی،
ج: ساختمان شرکت سهامی فرش ایران. وجه اشتراک هرسه بنا ایوان‌های بلند، سرستون‌ها، حجاری‌ها
و تزئینات هخامنشی و تأثیر فراوان از معماری باستانی ایران است. ماخذ: URL4

رویکرد دوم در روزگار رضاخانی تجددگرایی و تأثر از سبک‌های معماری جوامع غربی بود. تجددطلبی و نوگرایی، نیازهای جدید حاصل از شرایط اجتماعی ـ اقتصادی و خواست حکومت برای خلق آرمان‌شهر خود ـ که همانند پایتخت‌های کشورهای پیشرفته باشد ـ ذهنیت تحول شهری را در تهران به‌وجود آورد. برای اینکه این تحول تکمیل شود می‌بایست عینیت (به‌عنوان وجه مکمل ذهنیت) فراهم می‌آمد. ظهور فعالیت‌ها و عملکردهای جدید شهری زمینه عینی کاربست مفاهیم مدرن را در تهران فراهم ساخت که ناشی از تحولات اقتصادی، تغییرات جمعیتی و در مخلص کلام تغییرات فرهنگی بود که ره به سوی تحولات کالبدی داشت. (تصویر ۹)







تصویر ۹. از راست به چپ: ساختمان تلگرافخانه، کاخ وزارت امورخارجه، ساختمان مجلس سنای ایران. ایجاد فضاهای جدید
در دوران پهلوی اول با مقیاس میانی براساس نیازها و شرایط اجتماعی جدید با نگرش تجددگرایی. ماخذ: URL5

بنابراین می‌توان گفت تغییرات کالبدی بنا تحت‌تأثیر سه عامل صورت پذیرفت: ۱. اقدامات و الگوهای شهرسازی کشورهای پیشرفته، ۲. قوانین و طرح‌های شهرسازانه براساس نیازهای جدید (مثل

ظهور اتومبیل در شهر) و ۳. معماران خارجی و معماران ایرانی آموزش‌دیده در خارج از کشور.[1] در مقیاس خرد می‌توان گفت که معماری این دوره، برای استفاده از تزئینات (هرچند ساده و مختصر) نگاه به گذشته دارد، اما اتفاق تازه در این دوره به‌کارگیری عناصر حجمی و مجسمه‌سازی است که نگاه دوگانه باستانی و غربی در آن به خوبی قابل تشخیص است، همچنین استفاده از نقوش «فروهر»، «لوتوس» و ستون‌ها در این دوره فراوان است. در مقیاس میانی شدیدترین تغییرات در حوزه اصول ساماندهی پلان و نما صورت گرفت. به‌دلیل حضور سریع و بدون وقفه عملکردهای جدید در معماری، پلان‌ها عیناً و بدون تطبیق محلی و فرهنگی وارد حوزه معماری ایران شد.

رشد این‌گونه نقشه‌ها بیشتر در فضاهای آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه اداری و حکومتی نظیر وزارتخانه‌ها، شهربانی، پست و بانک‌ها صورت پذیرفت. با توجه به عوامل مختلف، بناها متأثر از غرب براساس اصول جدیدی ساخته شدند که شامل:

۱. بالاتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین و نمایش آشکار محل ورودی ساختمان برای تأکید بر سیما و شکوه.

۲. ورودی‌های بلند و ستون‌های مرتفع و کشیده، برای نمایش اقتدار و عظمت.

۳. استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی ـ عمودی (ستون‌ها و پنجره‌ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته‌اند تا بتواند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا بیفزاید)، بر خلاف این حرکت عمودی، خود بناها در جهت افقی کشیده شده‌اند و به صورتی سنگین و حجیم بر زمین نشسته‌اند.[2] (تصویر ۱۰)


تصویر ۱۰. ساختمان راه‌آهن تهران، کشیدگی افقی در بنا در روی زمین قابل مشاهده است.

تغییرات مقیاس کلان در این دوران شتاب بیشتری گرفت و در شهرسازی چهره خود را به روشنی نشان داد. ساماندهی شهرها با الگوی خطوط قائم که میراث قرن ۱۹ بود، مدل خوبی برای این کار شد، خیابان‌های اصلی و فرعی دامنه شهر را از هم مشخص می‌کردند. نتیجه این کار ایجاد یک شهر باز با یک هسته مرکزی بود که بیانگر نظام متمرکز و واحد بود.[3]

ساختار قدرت جدید در این سو به موفقیتی شایان توجه دست یافت و با ارائه یک معماری برون‌گرای شهری به سرعت «فرهنگ برون‌گرایی» را پیاده کرد.

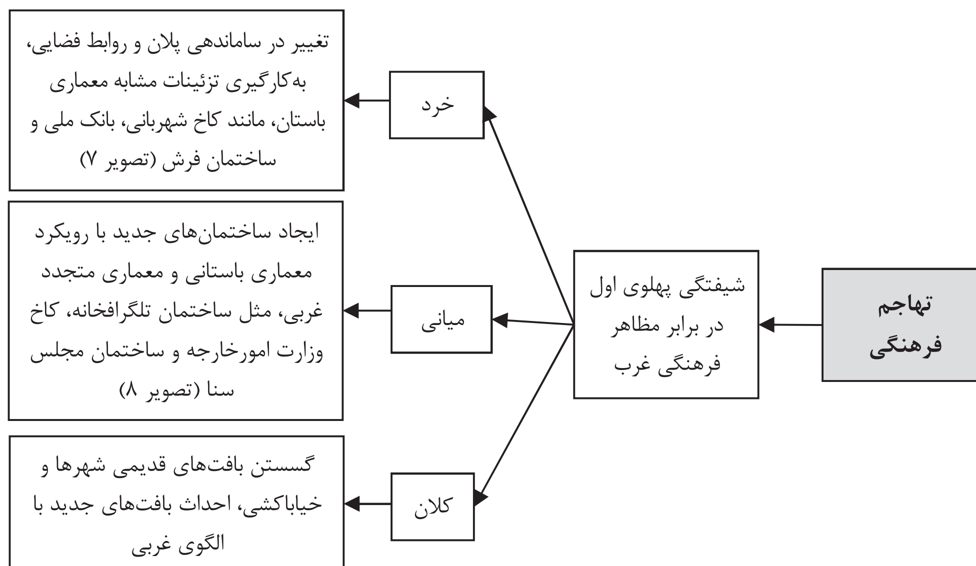
---

۱. ربانی و سهرابی، «معماری دوره پهلوی»، ***راه و ساختمان***، ش ۳۱، ص ۱۰.
۲. مختاری‌طالقانی، ***تلفیق سنت و مدرنیسم معماری ایرانی***، ص ۷۰.
۳. فقیه، ***آغاز معماری و ضوابط در معماری در تهران***، ص ۴.

حکومت با استفاده از شهرسازی نوخواسته و کمیت‌محور و با ارائه مصداق‌های شهرسازی توانست برون‌گرایی، برگرفتن حجاب، نمایش بی‌نقاب و عرض اندام را تعریف کند.[۱] در تصویر ۱۱ می‌توان میزان تأثیر جنگ نرم در معماری پهلوی اول و در نمودار ۷ می‌توان تأثیرات تهاجم فرهنگی در این دوره را مشاهده کرد.



تصویر ۱۱. میزان تاثیر جنگ نرم بر معماری ایران در دوره پهلوی اول.



نمودار ۷: تأثیرات جنگ فرهنگی بر مقیاس خرد، میانی و کلان معماری پهلوی اول

پهلوی دوم

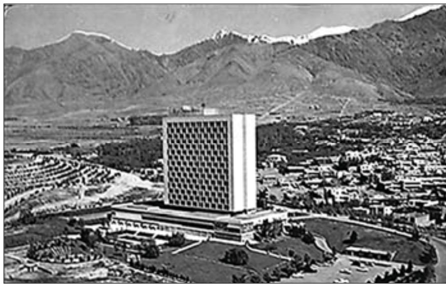
آغاز دوره پهلوی دوم در شهریور ۱۳۲۰ مصادف است با آغاز کار جدی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که در سال ۱۳۱۸ تأسیس شده بود. بدین ترتیب روند معماری در ایران به روش مدرسه معماری بوزار فرانسه آغاز می‌شود. همچنین طی این سال ها «مجله آرشیتکت» به انتشار می‌رسد (گسترش رسانه).

۱. کیانی، ***معماری دوره پهلوی اول***، ص ۱۸۳.

در این دوره از عوامل تغییر نگرش در برخورد با مصالح و تکنولوژی ساختمان می‌توان به دو عامل اشاره کرد. اول: نگاه مدرنیستی که معماران را به سمت ساده‌سازی نماهای بیرونی و اجزای درونی سوق می‌دهد و دوم: لزوم ساخت‌وسازهای سریع و ارزان برای مقابله با بحران جمعیت در مراکز شهری. تکنولوژی جدید، زمینه پیدایش نوعی از بناها را فراهم می‌کند که دارای احجامی قوطی شکل با سقف طاق ضربی هستند که به مدد تیر آهن و آجر اجرا شده و تا سال‌های آینده تداوم می‌یابد. همچنین نگاه ملی گرایی که در زمان پهلوی اول وجود داشت، در زمان پهلوی دوم نیز پی گرفته می‌شود. پس از تأسیس دانشکده هنرهای زیبا «رویداد دیگری در عرصه معماری در سال ۱۳۳۹ رخ داد که تأسیس دومین دانشکده معماری ایران در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) بود».[۱] نظام آموزشی حاکم بر دانشگاه ملی که از آغاز با حضور اساتید فارغ‌التحصیل ایتالیا همراه بود با روند آموزش در مدرسه هنرهای زیبای تهران تفاوت چشمگیری داشت.[۲]

سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، زمان بروز و گسترش معماری مدرن به سبک بین‌الملل و سال‌های پیشرفت و توسعه تکنولوژی در آثار معماری به‌شمار می‌رفت. «معماری این دوره تغییر اساسی در طرز تفکر معماران داخلی، عملکرد و تکنولوژی ساخت ایجاد کرد و دیگر رفته رفته معماری ایران با گذشته خود فاصله بسیار گرفت. این فاصله از نظر برونگرایی عملکردی و بلندمرتبه‌سازی اقدام جدیدی بود که تا آن زمان توان ساخت چنین بناهایی در ایران وجود نداشت».[۳]

نمونه های کاملی از معماری مکعبی به سبک بین‌الملل چون هتل هیلتون و ساختمان مرکزی بانک سپه نمونه‌های این سبک در معماری معاصر ایران به‌شمار می‌روند (تصویر ۱۲).





تصویر ۱۲. بالا: هتل هیلتون، پایین: ساختمان مرکزی بانک سپه. به‌کارگیری اصول معماری بین‌الملل در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان معماری منجر به شکل‌گیری و تسری فرهنگی جدید در جامعه شد. ماخذ: URL6

۱. مختاری‌طالقانی، ***تلفیق سنت و مدرنیسم معماری ایرانی***، ص ۱۳۳.

۲. حسن‌پور و سلطان‌زاده، «عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه»، ***باغ نظر***، ش ۴۴، ص ۴۳.

۳. ثبات‌ثانی، «مقدمه‌ای بر برخی از عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش»، ***معماری و شهرسازی آرمانشهر***، ش ۱۱، ص ۵۰.

ساخت این بناها با توجه به رشد درآمدهای نفتی، حضور و نفوذ آمریکا در ایران در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر شده بود.

دهه ۱۳۴۰ دهه بسیار مهمی در همه زمینه های فرهنگی و هنری به حساب می‌آید. در بهمن سال ۱۳۴۱، مدرنیزاسیون از بالا (دولت و طبقه حاکم) در دستور کار قرار می‌گیرد. دولت بر آن می‌شود که چهره‌ای از جهش و توسعه اقتصادی را مطرح کند که همسو و هماهنگ با دگرگونی‌های جهان سرمایه‌داری در سال ۱۹۶۰ م باشد و همانند تمام دنیا، با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در پی اقناع افکار عمومی در این مسیر است. در این دوره با افزایش مهاجرت از روستاها به شهر موضوع تولید مسکن انبوه به یک نیاز جدی در عرصه معماری و شهرسازی بدل شد. در پاسخ به این نیاز برنامه‌ریزی دولت به توسعه کلان‌شهرها و طرح‌های انبوه‌سازی مسکن و طراحی شهرک‌های اقماری متوجه شد. در سال‌های پایانی حکومت پهلوی، یکی از مسائل اجتماعی، بی‌هویت شدن معماری ایرانی بود، جستجوی راه حلی برای بحران هویت در عرصه معماری سبب شد در شهریور ۱۳۴۹ (۱۹۷۰م.) نخستین کنگره بین‌المللی به نام «امکان پیوند معماری سنتی با شیوه های نوین ساختمانی» برگزار شود. دومین کنگره بین‌المللی در سال ۱۳۵۳ در شیراز با عنوان «نقش معماری و شهرسازی در کشورهای در حال صنعتی شدن» برگزار شد.[۱]

بنابراین، تهاجم فرهنگی در دوران پهلوی (در دوره دوم با شدت بیشتر) پدیده‌ای از بالا به پایین با سردمداری حکومت وقت برای تغییر مظاهر رخ داد. گستردگی تغییرات به‌همراه تبلیغات رسانه‌ای موجب تغییر ذائقه فرهنگی جامعه شد و موج جدیدی از تغییرات در معماری از پایین به بالا (توده مردم متأثر از جو جامعه) به راه افتاد و تمام مقیاس‌های معماری را در بر گرفت (تصویر ۱۳).





تصویر ۱۳. از بالا به پایین: آپارتمان‌های کوی کن، شهرک اکباتان، خانه‌ای مسکونی در تهران. افزایش جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر، باعث شد حکومت بدون توجه به قواعد معماری ایرانی ـ اسلامی بنای ساختمان‌های جدید را بر اصول بین‌المللی استوار کرده و با تغییر ظواهر موجب تغییر در ذائقه فرهنگی مردم گردد. ماخذ: URL7

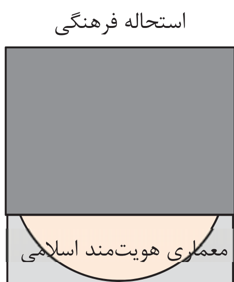
۱. قبادیان، ***سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران***، ص ۲۶۵.

در ساختار شهری نیز تغییرات گسترده‌ای در بافت شهر تهران و برخی از شهرستان‌های دیگر کشور (مثل همدان) رخ داد (تصویر ۱۴).[1]

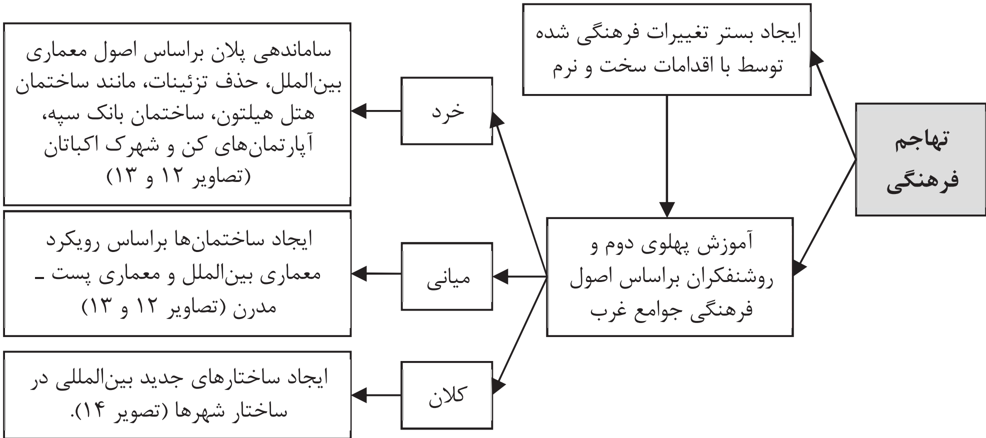

تصویر ۱۴. نقشه تهران در سال ۱۳۳۰. در این طرح دیوارهای شهر تخریب شده و بافت تهران با رویکردی برون‌گرا (برخلاف معماری ایرانی ـ اسلامی) در حال گسترش است.

در این دوران معماری به‌عنوان عینیت در جامعه دستخوش تغییرات فراوان شد تا به‌وسیله آن ذهنیت مخاطبان نیز تغییر یابد و سبک زندگی ایشان دچار استحاله شود (تصویر ۱۵) و به صورت آگاهانه مبانی اسلامی از جامعه حذف و اسلام‌ستیزی نصب‌العین حاکمان بود، تقلید از ظواهر و باطن غربی نماد تمدن شد، محورهای شهری از هم گسست و مرکزگرایی بناها نادیده گرفته شدند.

مرزهای فضایی به صورت آشکار تعیین شدند، آرایه‌ها تشبیهی و به تقلید از معماران غیرمسلمان باستانی (ایرانی یا غربی) ساخته شدند، تعامل معماری با طبیعت از بین رفت و فضاهای معماری به‌عنوان ساختمان‌هایی تک‌عملکردی ایجاد گردیدند (نمودار۸).



تصویر ۱۵. میزان تاثیر جنگ نرم بر معماری ایران در دوره پهلوی دوم.



نمودار ۸: تأثیرات جنگ فرهنگی بر مقیاس خرد، میانی و کلان معماری پهلوی دوم

---

۱. حبیبی، ***از شار تا شهر***، ص ۱۷۰.

تأثیرات تهاجم فرهنگی در مصادیق معماری دوران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با ایجاد یک ایدئولوژی جدید با محوریت جمهوری اسلامی پس از مشروطه به‌لحاظ میزان تحولات و تأثیرگذاری در تمامی عرصه‌ها در کشور بی‌سابقه است. به‌نظر می‌رسد در این مرحله مدیریت جامع کشور توانست با تلفیق اندیشه‌های مبتنی بر الهامات دینی و مذهبی و مفاهیم مدرن‌تر اقشار و لایه‌های متفاوتی از اجتماع را با خود هماهنگ سازند. ایدئولوژی جدید منبعث از آموزه‌های دینی مفاهیم نوینی تولید می‌نمود که موجب همسویی حکومت و مردم شد و مفاهیمی مانند رشد و تعالی معنوی، ایمان، ایثار، فداکاری و مانند آن در جامعه به‌وجود آمد. توده عظیمی از لایه‌های نهفته اجتماع که تاکنون مورد اهمیت نبوده‌اند، بنام مستضعفین به صحنه آمدند. به‌طورکلی می‌توان دوران بعد از انقلاب اسلامی را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. دوره انتقال قدرت و تشکیل نظام سیاسی (سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲)؛

۲. دوره تثبیت (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸)؛

۳. دوره بازسازی اقتصادی؛

۴. دوره توسعه اقتصادی سیاسی.[۱]

الف) مهم ترین جریانات سیاسی و عمرانی دوره اول: تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد ساختارهای مدنی و به‌وجود آمدن مسئله جنگ و درگیری‌های تشکیل ساختار حکومت که حاصلش در عرصه معماری عدم ایجاد بناهای شاخص و آثار مهم است.



تصویر ۱۶. مسکن آسیب‌دیدگان از جنگ در مشهد. ایجاد رویکرد نامناسب در بازسازی پس از جنگ تحمیلی باعث ایجاد چالش‌های مختلف، از جمله چالش‌های فرهنگی شد. ماخذ: URL8

ب) در دوره دوم، ادامه درگیری با مسئله جنگ، تخریب و بی‌توجهی به آثار هنری و میراث فرهنگی و ایجاد اتحاد ملی در اثر جنگ را می‌توان نام برد.

ج) دوره سوم، دوران تثبیت نسبی سیاسی ـ اقتصادی، تجدید نظر در قانون اساسی، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و درگیری‌های ماهیتی و سیاسی با غرب با رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی بود. حاصل چنین وضعیتی در عرصه ساخت، تکمیل برخی از پروژه ناتمام عمرانی قبل از انقلاب و انجام فعالیت عمرانی زیرساختی در کشور تحت عنوان سازندگی و نوسازی است. می‌توان انفعال و بی‌توجهی به مسائل فرهنگی در بازسازی‌های پس از جنگ را در این دوره مشاهده کرد. سبک بازسازی پس از جنگ تحمیلی در دوره‌های بعدی موجب ایجاد چالش‌های جدی فرهنگی شد.[۲] (تصویر ۱۶)

---

۱. بانی‌مسعود، ***معماری معاصر ایران***، ص ۲۹۶.

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به لبیب‌زاده، «بررسی رویکردهای بازسازی پس از جنگ»، ***دوفصلنامه اندیشه معماری***، ش ۱۰، ص ۳۴۷ ـ ۳۲۸.

د) دوره چهارم، افزایش مشارکت مدنی، ادامه روند ثبات و امنیت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دوران افزایش یافتن درآمد ملی از نفت که براینـد آن در عرصه ساختمان‌سازی احداث برخی پروژه‌های کوچک و بزرگ ملی و دولتی است[۱] (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷. شهرک شهید چمران. احداث ساختمان‌های مسکونی با اصول معماری مدرن توسط ارگان‌های حکومتی از جمله اقدامات در معماری پس از انقلاب بود. ماخذ: URL9

در کل معماری ایران پس از انقلاب اسلامی با دو پدیده موازی روبرو است: ۱. تفکر جریان نسلی که در صدد آشتی دادن معماری مدرن با سنت‌های ایرانی بود، ۲. تفکر تأثیرپذیر از سبک‌ها و جنبش‌های پست‌مدرن دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی اروپا و آمریکا.

برهمین اساس گرایش‌های معماری ایران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان در محورهای ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. احیای معماری با نگرش سنتی؛

۲. مدرنیسم ایرانی؛

۳. معماری رایانه‌گرا.

مجموعه‌ای از جریان‌های خردگرائی، گرایش‌های نئوبروتالیستی همراه با معماری مدرن و تداوم مباحث معماری مدرن متعالی، تقلید کالبدی از جنبش‌ها و سبک‌های روز معماری غرب تحت تأثیر کتاب‌ها، مجلات معماری و اقتباس فرمی و ظاهری و عوامانه از آثار معماری غرب مثل پست مدرن و دکانتراسشن که اغلب توسط معماران بازاری بنا شده است.[۲]

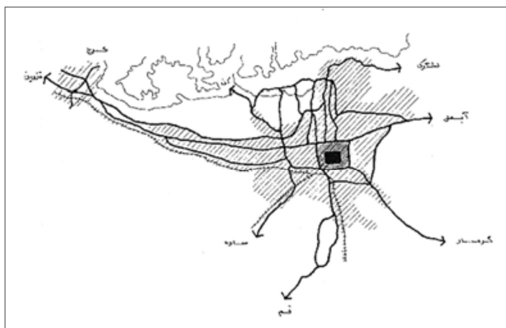
به طور کلی تجدید حیات‌گرایی یکی از گرایش‌های اصیل و بسیار جدی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، انسجام طرح و مفاهیم، ایجاد ساختارهای فضایی جدید، شکل و فرم متأثر از مصالح و ارتباط اثر با محیط پیرامونی مهم‌ترین نکاتی بوده‌اند که از سوی گروه‌های تجدید حیات‌گرا مورد توجه قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه آن است که گرایش‌های تجدید حیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانسته اند فاصله میان نظر و عمل را به‌خوبی طی نمایند و در راه رسیدن به اهداف مورد نظر خویش موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند، به‌طور مثال رشد فزاینده ساختار

---

۱. حیدری و دیگران، «تحلیل الگوهای کنش فعالان حزبی در ایران»، ***مطالعات علوم اجتماعی***، ش ۵۵، ص ۸۶.

۲. بانی‌مسعود، ***معماری معاصر ایران***، ص ۱۱۸ ـ ۶۵؛ اعتصام، «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا»، ***مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران***، ج ۳، ص ۲۸۶.

شهر تهران که در دوره‌های قبلی آغاز شده بود، در این دوره با سرعت بیشتری ادامه یافت. (تصویر ۱۸)[1]



تصویر ۱۸. گسترش تهران در دوره حاضر. در این دوره ساختار شهر بدون قاعده و به صورت فزاینده‌ای گسترش یافته است.

هر چند حرکت اندیشه های انقلابی (که از هویت ایرانی ـ اسلامی شکل گرفته) به سمت ریشه‌های فکری و مبانی اعتقادی مردم، خود دستاوردی قابل توجه به‌شمار می‌آید،[2] اما در راه ایجاد معماری همسو با این ایده‌ها کوتاهی‌ها و کاستی‌های زیادی قابل خوانش است. در مقیاس کلان، بافت شهرها «بدون توجه» به ساختارها و اصول نظری معماری اسلامی ـ مثل محوربندی‌های، مرکزگرایی، سامان‌بندی چشم‌اندازها، تعامل با طبیعت، سیالیت، نشانه‌گرایی، صداقت، چندعملکردی بودن ـ رشد پیدا کرده و فضاهایی فارغ از محتوای اسلامی ایجاد شده است (مانند پاساژها، مجتمع ها و ساختمان های لوکس و جلوه گر). این فضاها در مقیاس میانی موجب الگوسازی در جامعه شده و فرهنگ مصرف‌گرایی و تبرج را به‌عنوان ارزش معرفی می‌نمایند[3] (تصویر ۱۹).







تصویر ۱۹. ظهور معماری لوکس و متبرج به عنوان مقیاس میانی بدون قرابت معنایی و ظاهری با معماری هویت‌مند ایرانی ـ اسلامی بر خلاف سیر اندیشه‌های انقلاب اسلامی. این بناها در مقیاس میانی موجب الگوسازی و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل شده است، به صورتی که حضور و استفاده از این ساختمان‌ها به عنوان ارزش «معرفی شده است». ماخذ: URL8

---

۱. حبیبی، ***از شار تا شهر***، ص ۱۹۳.

۲. مهدوی‌نژاد و دیگران، «تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، ***شهر ایرانی اسلامی***، ش ۲، ص ۱۰۲.

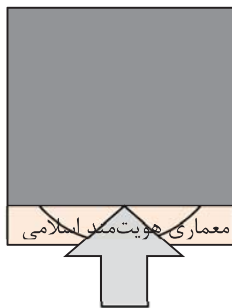
۳. ***کلاس اخلاق اسلامی آیت‌الله عبدالله جوادی آملی***، دماوند، تابستان ۱۳۹۸.



تصویر ۲۰. استفاده از مظاهر معماری غربی (روم باستان در تزئینات یک ساختمان مسکونی. با توجه به سیر تهاجم فرهنگی می‌توان مشاهده کرد که ظواهر معماری ایرانی‌اسلامی به‌طورکلی نادیده گرفته شده و تقلید از سبک تاریخی غربی انجام شده است. ماخذ: URL8

همچنین در مقیاس خرد و در آرایه‌های معماری این دوره می‌توان گستردگی تهاجم فرهنگی و خودباختگی در مقابل مظاهر معماری غربی (روم باستان) را مشاهده کرد. (تصویر ۲۰)

آنچه که از معماری پس از انقلاب استنباط می‌شود التقاط‌گرایی در مقیاس‌های مختلف معماری است، به صورتی که سخت بتوان الگویی خاص برای آن در نظر گرفت، اما به‌نظر می‌رسد که عدم توجه به اصول ایرانی ـ اسلامی وجه مشترک تمام سبک‌های معماری پس از انقلاب باشد. این امر می‌تواند ناشی از تبلیغات گسترده رسانه‌ای در راستای تغییر محتوای فکری افراد جامعه و به تبع آن معماری باشد.

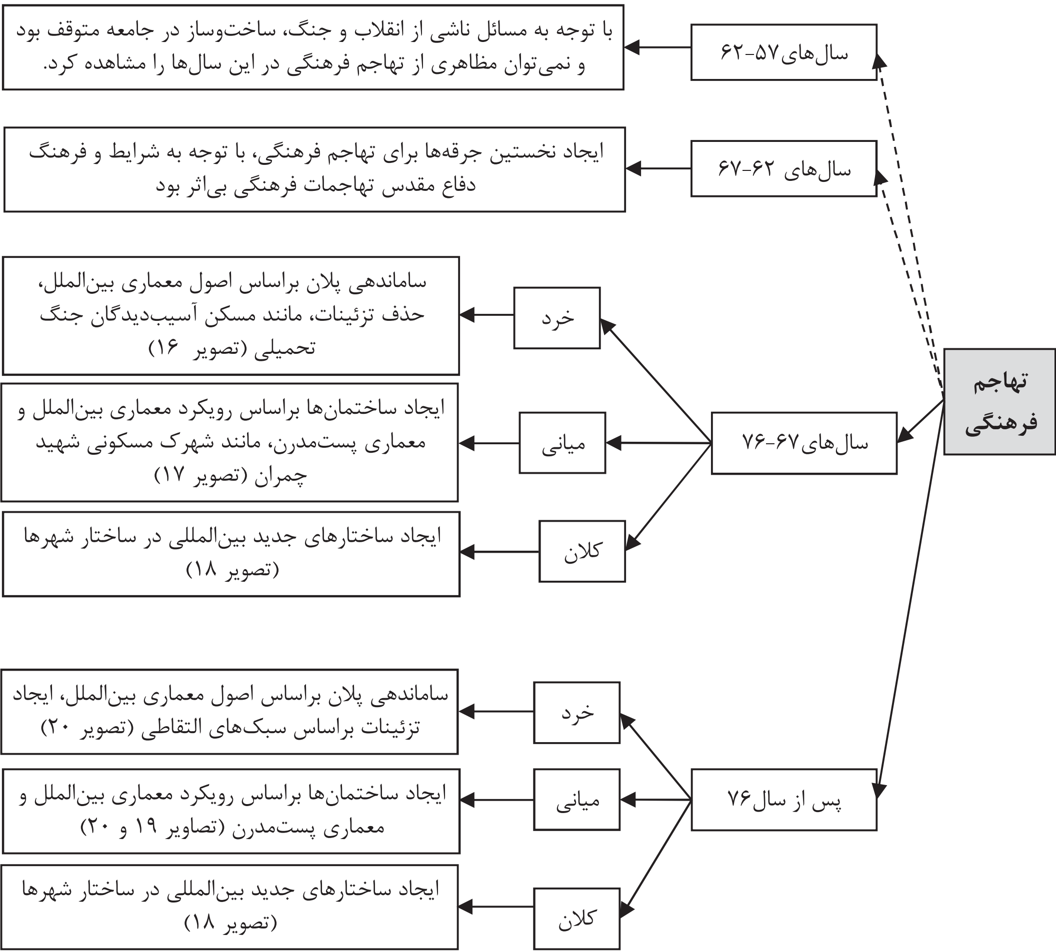


تصویر ۲۱. میزان تاثیر جنگ نرم بر معماری ایران در دوره انقلاب اسلامی

بنابراین تهاجم فرهنگی در دوران انقلاب برخلاف دوره‌های قبلی از محتوا به کالبد و سپس از آن کالبد به محتواست، که ریشه در حکومت‌های گذشته داشته و جریان فکری اصیل انقلاب اسلامی هنوز توفیقی برای چیرگی بر آن نیافته است. (تصویر ۲۱)

دوره سوم را می‌توان به‌عنوان پیچیده‌ترین دروان در تهاجمات فرهنگی دانست. این دروه در چهار بخش قابل بررسی است؛ بخش اول سال‌های اول پس از انقلاب اسلامی است، با توجه به مسائل مختلف کشور و شرایط حاصل از انقلاب اسلامی، تغییر مقیاس‌های مختلف متوقف شد، همچنین با توجه به روحیات انقلابی مردم تهاجمات فرهنگی نسبتاً بی‌اثر بود. نخستین جرقه‌های تهاجم فرهنگی در سال‌های میانی جنگ تحمیلی زده شد و پس از پایان جنگ نظامی، تهاجمات همه‌جانبه فرهنگی رخ داد، در این دوران با توجه به خرابی‌های پس از جنگ و نیاز به اسکان سریع آسیب‌دیدگان، ساخت بناها بدون توجه به مسائل فرهنگی و براساس اصول معماری بین‌الملل انجام شد. همچنین با فراگیر شدن رسانه‌های جمعی و فضاهای مجازی در سال‌های بعدی زمینه‌های فکری برای تغییر ذائقه مخاطبان فضا فراهم آمد. در این دوران سبک‌های معماری براساس معماری رایانه‌ای و سبک‌های تقلیدی و التقاطی شکل گرفت (نمودار۹). در

این دوره برخلاف مبانی مد نظر حاکمان، نمی‌توان ترجمان کالبدی مفاهیم بنیادین اسلامی (سیر از کثرت به وحدت، سیر از ظاهر به باطن و نیل به اهداف متعالی انسان) را در بناهای معماری مشاهده کرد. البته در این دوران بناهای مبتنی بر مفاهیم اسلامی احداث شدند، اما این ابنیه تأثیری فراگیر بر جامعه نداشتند. در این دوره نیز مانند دوران های پیشین محوربندی، مرکزگرایی، استقلال و سیالیت فضاها نادیده انگاشته شدند. نشانه‌گرایی و صداقت در معماری زنده نشد و معماری در تقابل با طبیعت قرار گرفت. فضاها تک‌عملکردی ساخته شدند و معماران غیرمسلمانان الگو قرار گرفتند و تقیدی به استفاده از اندیشه معماران مهذب وجود نداشت.



نمودار ۹: تأثیرات جنگ فرهنگی بر مقیاس خرد، میانی و کلان معماری انقلاب اسلامی

نتیجه

مطالعات صورت‌گرفته نشان‌دهنده آن است معماری به‌عنوان یکی از ابزارهـای جنـگ نـرم مـی‌توانـد در عرصه نبرد کارساز و مؤثر باشد. معماری ایران در قرن اخیر دچار استحاله فرهنگی شـده و بـا تغییـرات و آسیب جدی مواجه شده است و مفاهیم بنیادی معماری دوران اسلامی (یعنی سیر از کثـرت بـه وحـدت، سیر از ظاهر به باطن و نیل به اهداف متعالی انسان) را هدف قرار داده است و بر مقیـاس خـرد، میـانی و کلان مؤثر بوده است. همچنین مشخص گردید که تغییرات در یکی از مقیاس‌ها منجر به ایجاد تغییـرات در سطوح دیگر می‌شود. علاوه براین مشخص شـد کـه معمـاری دوران ناصـری براسـاس خودباختگی فرهنگی حاکمان و روشنفکران زمینه انحطاط معماری و پس از آن استحاله فرهنگی در دوران‌های بعدی را فراهم کرد. تغییرات در این دوران از کالبد تک‌بناها در مقیاس میانی شروع شد و منجر به شکل‌گیـری برخی محلات شهری در مقیاس کلان گردید، اما تهاجم فرهنگی این دوران بر مقیـاس خـرد فضـاهای زندگی جامعه کم‌ترین اثر را داشت. در دوران پهلـوی اسـتحاله فرهنگـی از دو جهـت رخ داد، اول تغییـر کالبدها در مقیاس‌های گوناگون برای تغییر ذهنیت مخاطبان فضایی و تغییر ذهنیت مردم بـرای پـذیرش تغییرات اعمال شده. با توجه به آثار خلق شده در این دوران می‌توان گفت که استحاله مد نظر حاکمان در این دوره منجر به تغییر سبک زندگی مردم شد و در این دوران تمامی مبانی بنیادین نادیده انگاشته شـد. همچنین می‌توان گفت که تغییرات کالبدی دوران پهلوی در دوران انقـلاب اسـلامی نیـز ادامـه یافـت و معماری دوران انقلاب برخلاف شعارهای آرمان‌گرایانه آن توفیق چندانی در ایجاد سبک معماری اسلامی ـ ایرانی مبتنی بر مفاهیم بینادین دین مبین و مقابله با «جریان نفوذ» به دست نیامد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. آقاجانی، احمد و محمود عسگری، «جنگ نرم و فلج‌سازی راهبردی»، ***ماهنامه اطلاعات راهبردی***، ش ۹۸، ص ۲۶ ـ ۱، ۱۳۹۰.

۲. احمدزاده کرمانی، روح‌الله، «درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسـلامی»، ***فصـلنامه مطالعات بسیج***، ش ۴۳، ص ۳۲ ـ ۱، ۱۳۸۸.

۳. اعتصام، ایرج، «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپـا»، ***مجموعه مقالات اولـین کنگره معماری و شهرسازی ایران***، ج ۳، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷٤.

٤. افتخـاری، اصـغر، «مفهـوم جنـگ نـرم در گفتمـان انقـلاب اسـلامی براسـاس اصـول قـرآن کـریم»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، ش ۲، ص ۲۷ ـ ۱، ۱۳۹۱.

۵. افتخاری، اصغر، ***مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی***، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.

٦. بانی‌مسعود، امیر، ***معماری معاصر ایران***، تهران، هنر معماری قرن، ۱۳۹۱.

۷. بیگدلی، علی، «روابط خارجی ایران عصر صفوی»، ***زمانه***، ش ۵۰، ص ۲۲ ـ ۱۳، ۱۳۸۵.

۸. پیرنیا، محمدکریم، ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***، تهران، سروش دانش، ۱۳۸۹.

۹. ثبات‌ثانی، ناصر، «مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش»، ***معماری و شهرسازی آرمان‌شهر***، ش ۱۱، ص ٦۰ ـ ٤۹، ۱۳۹۲.

۱۰. حبیبی، سید محسن، ***از شار تا شهر***، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

۱۱. حسن‌پور، ناصر و حسین سلطان‌زاده، «عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه»، ***باغ نظر***، ش ٤٤، ص ۵۲ ـ ۳۹، ۱۳۹۵.

۱۲. حسن‌زاده، علی‌رضا، «چارچوب‌های فرهنگی جنگ»، ***نشریه کتاب ماه***، ش ٦۹، ص ۷٤ ـ ۷۰، ۱۳۸٤.

۱۳. حیدری، مردان؛ ابوالفضل دلاوری و فرح ترکمان، «تحلیل الگوهای کنش فعالان حزبی در ایران»، ***مطالعات علوم اجتماعی ایران***، ش ۵۵، ص ۱۰٦ ـ ۷۸، ۱۳۹٦.

۱٤. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی***، ش ۵۱، ص ۳۰ ـ ۵، ۱۳۹۰.

۱۵. دورک، دانا پی، ***برنامه‌دهی معماری، مدیریت اطلاعات برای طراحی***، ترجمه سید امیرسعید محمودی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹٤.

۱٦. راپاپورت، آموس، «ابداع معماری، از غار تا شهر»، ***فصلنامه آبادی***، ش ۳۹، ص ٤۰ ـ ۸، ۱۳۸۲.

۱۷. راپاپورت، آموس، «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»، ***خیال (فرهنگستان هنر)***، ش ۸، ص ۹۷ ـ ۵٦، ۱۳۸۲.

۱۸. راپاپورت، آموس، ***فرهنگ، معماری و طراحی***، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف‌نیا پاشا، ساری، شلفین، ۱۳۹۰.

۱۹. ربانی، رسول و نارسیس سهرابی، «معماری دوره پهلوی»، ***راه و ساختمان***، ش ۳۱، ص ۱۱ ـ ۵، ۱۳۸٦.

۲۰. رفیع، حسین و سید محمدجواد قربی، «مختصات اهداف فرهنگی ـ اجتماعی ترسیم شده در فرایند جنگ نرم»، ***مهندسی فرهنگی***، ۱۳۹۳، ش ۷۹، ص ۲۱۲ ـ ۱۹۲، ۱۳۹۳.

۲۱. صارمی، علی‌اکبر، ***ارزش‌های پایدار در معماری ایران***، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۷٦.

۲۲. عبدی، حسین، ***جنگ نرم***، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

۲۳. عینی‌فر، علی‌رضا، «الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن ایران»، ***هنرهای زیبا***، ش۱۳، ص ۷۷ ـ ٦٤، ۱۳۸۲.

۲٤. فقیه، نسرین، ***آغاز معماری و ضوابط معماری در تهران***، تهران، هنرهای معاصر، ۱۳۸۹.

۲٥. قبادیان، وحید، ***سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران***، تهران، علم معمار، ۱۳۹۲.

۲٦. قبادیان، وحید، ***معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران***، تهران، پشوتن، ۱۳۹۳.

۲۷. قبادیان، وحید، ***معماری معاصر غرب***، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸٤.

۲۸. قدسی، امیر، «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم (با تأکید بر باز تولید سرمایه اجتماعی)»، ***مطالعات قدرت نرم***، ش ۲، ص ۱۰۳ ـ ۷٥، ۱۳۹۰.

۲۹. کالبرایت، جان‌کنت، ***آناتومی قدرت***، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش، ۱۳۷۱.

۳۰. کالینز، جان‌اف، ***استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه‌ها***، ترجمه کوروش بایندر، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

۳۱. کیانی، مصطفی، ***معماری دوره پهلوی اول***، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخی معاصر ایران، ۱۳۸۳.

۳۲. لبیب‌زاده، راضیه، «بررسی رویکردهای بازسازی در معماری پس از جنگ»، ***اندیشه معماری***، ش ۱۰، ص ۳٤۷ ـ ۳۲۸، ۱٤۰۰.

۳۳. لعل‌شاطری، مصطفی و هادی وکیلی، «تأثیر سفرهای اروپایی ناصرالدین‌شاه بر روند غرب‌گرایی موسیقی و نمایش در عصر ناصری»، ***دوفصلنامه پژوهش هنر***، ش ۱۲، ص ۲۷ ـ ۱۳، ۱۳۹٥.

۳٤. ماه‌پیشانیان، مهسا، «بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم»، ***فصلنامه مطالعات بسیج***، ش ٥۰، ص ٥۰ ـ ۷، ۱۳۹۰.

۳٥. مختاری‌طالقانی، اسکندر، ***تلفیق مدرنیسم و معماری ایرانی***، تهران، فکرنو، ۱۳۹۰.

۳٦. معظمی، منوچهر و عیسی حجت، «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران»، ***معماری و شهرسازی آرمان‌شهر***، ش ۲۱، ص ۱۱۲ ـ ۱۰۳، ۱۳۹٦.

۳۷. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ محمدعلی خبری و رضا عسکری‌مقدم، «تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، ***شهر ایران اسلامی***، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۱۰۲ ـ ۹٥، ۱۳۸۹.

۳۸. نای، جوزف، «کاربرد قدرت نرم»، ***راهبرد دفاعی***، ترجمه محمود عسگری، ش ٦، ص ۳۷ ـ ۱، ۱۳۸۳.

۳۹. نصر، صلاح، ***جنگ روانی***، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.

۴۰. نقره‌کار، عبدالحمید، ***برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری***، تهران، فکرنو، ۱۳۹٤.

۴۱. نقره‌کار، عبدالحمید؛ فرهنگ مظفر و سمانه تقدیر، «بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام، مطالعه موردی، خانه زینت‌الملوک شیراز و بروجردی‌های کاشان»، ***شهر ایرانی اسلامی***، ۱۳۹۳، ش ۱۵، ص ۳٤ ـ ۲۱، ۱۳۹۳.

۴۲. نقی‌زاده، محمد، «تأثیر معماری و شهرسازی بر ارزش‌های فرهنگی»، ***هنرهای زیبا***، ش ۱۱، ص ۷٦ ـ ٦۲، ۱۳۸۱.

۴۳. نیلفروشان، محمدرضا، ***معماری ایرانی از آغاز تا دوره قاجاریه***، اصفهان، انتشارات محمدرضا نیلفروشان، ۱۳۸٦.

44. Hacihasanoglu, Isil, Hacihasanoglu, Orhan., “Cultural processes and physical change in Sisli - Istanbul”, ***Habitat International***, NO. 5, p. 14 – 30.
45. Hohmann, Hasso, ***Culture of Memory and MAYA Architecture: Architectural Documentation and Interpretation of Structure1 of Chunxhimai 3***, Anthropologicsl Notebooks, 2005.
46. Minor, Heather Hyde, ***Refoming ROME: Architecture and Culture, 1730 - 58***, the Department of OF Art and Archaelogy, the Falcukty of Princeton University, 2002.
47. Oliver, Paul, ***Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World***, Cambridge University Press, 1997.
48. Said, Ismail, “Cultural - Ethnic Landscape of Terrace Housing Community in Peninsular Malaysia”, ***Jurnal Teknologi***, 2001, No. 35, p. 9 – 17.
49. URL1: https: //seeiran.ir/
50. URL2: https: //www.cgie.org.ir/
51. URL3: https: //www.asriran.com/
52. URL4: https: //www.kojaro.com/
53. URL5: https: //fa.wikipedia.org/
54. URL6: https: //www.raheeno.com/
55. URL7: https: //donya_e_eqtesad.com/
56. URL8: https: //fararu.com/
57. URL9: https: //aks.roshd.ir/

Archive of SID.ir